

## A Comparative Study of Satirical Themes in the Social-Political Poems of Ahmad Matar and Seyyed Hassan Hosseini

Seyyed Mohsen Hosseini Moakhar<sup>1</sup>, Seyyed Ali Fazeli<sup>2</sup>

Type of article: original research

Received: 18 July 2024, Accepted: 15 January 2024

### Abstract

Satire is one of the categories in resistance poetry. Contemporary poets have always used it in their political and social criticisms. The current study, conducted with the aim of comparative analysis of satirical themes in the poems of Ahmad Matar and Seyyed Hassan Hosseini, seeks to examine the commonalities and differences of the two poets from this point of view. The research method is documentary and analytical. The findings of the research also indicate that Hosseini and Matar have spoken about various themes with humorous language in their works. Some of them are common and some of them are different according to the time and place of the two poets as well as their personalities, thoughts and spirits. Biting humor in Matar's poetry is political-social humor; Although its political orientations are more prominent, the social orientation of humor is more prominent in Hosseini's poems.

In other words, Ahmad Matar targets the political rulers of Arab countries, and Seyyed Hassan Hosseini Ansbat protests against his society's social shortcomings and some abnormal behaviors. It seems that Seyyed Hassan Hosseini was influenced by Ahmed Matar in the creation of satirical poems, especially in humiliating and likening the enemy and the subjects of the satire to animals such as boars, scavengers, and flies.

**Keywords:** Comparative literature, Resistance literature, Satire, Ahmad Matar, Seyyed Hassan Hosseini, Political and social satirical poems

---

1. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: s.m.hosseini@hum.ikiu.ac.ir

2. Master's degree in Sustainability Literature, Lorestan University, Lorestan, Iran.

## بررسی تطبیقی مضامین طنز در اشعار پایداری احمد مطر و سیدحسن حسینی

سیدمحسن حسینی مؤخر<sup>۱</sup>، سید علی فاضلی<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵، پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۸

### چکیده

طنز یکی از مقوله‌های مطرح در شعر پایداری بوده، شاعران معاصر همواره از آن، در انتقادهای سیاسی اجتماعی‌شان بهره برده‌اند. پژوهش حاضر نیز که با هدف بررسی تطبیقی موضوعات طنز در اشعار سیاسی - اجتماعی احمد مطر و سید حسن حسینی صورت گرفته، در پی آن است تا وجوه اشتراک و افتراق دو شاعر را از این منظر بررسی کند. روش تحقیق پژوهش به صورت اسنادی و تحلیلی بوده، یافته‌های تحقیق نیز حاکی از آن است که حسینی و مطر در آثار خویش از مضامین گونه‌گونی با زبان طنز سخن گفته‌اند که برخی از آنها مشترک و برخی دیگر با توجه به وضعیت زمان و مکان دو شاعر و نیز شخصیت، اندیشه و روحیاتشان متفاوت است. طنز گزنده در شعر مطر، طنزی سیاسی - اجتماعی است؛ هرچند جهت‌گیری‌های سیاسی آن نمود بیشتری دارد اما در سروده‌های حسینی جهت‌گیری اجتماعی طنز بیشتر برجسته می‌شود؛ به عبارت دیگر احمد مطر حکام سیاسی کشورهای عربی را هدف تیغ طنز خود قرار داده و سیدحسن حسینی نسبت به کاستی‌های اجتماعی و برخی رفتارهای ناپه‌نجا جامعه خود اعتراض می‌کند. به نظر می‌رسد سیدحسن حسینی در آفرینش اشعار طنز، مخصوصاً در تحقیر و تشبیه دشمن و اشخاص موضوع طنز به حیواناتی مانند گراز، لاشخور و مگس از احمد مطر تأثیر پذیرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات تطبیقی، طنز، احمد مطر، سید حسن حسینی، اشعار طنز سیاسی و

اجتماعی

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

Email: s.m.hosseini@hum.ikiu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، ادبیات پایداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

## ۱. مقدمه

به کارگیری طنز یکی از روش‌های بیانی در ادبیات است که قدرت تأثیرگذاری فراوانی بر ذهن خواننده یا شنونده دارد و دارای گیرایی خاصی، نسبت به روش‌های بیانی دیگر است. می‌توان زبان طنز را در برابر زبان جدّ قرار داد، هر قدر زبان جدی‌تر باشد تلخ‌تر می‌شود و برای شنونده یا خواننده ملالت‌آورتر. با توجه به تأثیرگذاری طنز در بیان زشتی‌ها و عیوب جامعه چه در مقوله‌های سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی می‌توان گفت که زبان طنز رساتر و برتر از دیگر انواع نوشته‌ها است. در واقع «طنز وسیله‌ای جهت خنداندن یا لذت بردن نیست، بلکه مجموعه‌ای است از ضرب‌المثل‌ها، پندها، دیدگاه‌ها و نظریات قابل تأمل و بررسی.» (ابراهیمی کوری، ۲۰۰۴: ۹۴)

از نظر ارسطو «از میان همه جانوران، تنها آدمی زاده است که می‌تواند بخندد» (عطیه الله، ۱۹۶۴: ۳۷) چراکه لازمه خنده، دریافتی عمیق، فراحسی و عقلانی از رویدادهاست، و تیزهوشی و قدرت درک پیچیدگی‌ها، کلید آن است، برخلاف برخی دیگر از رفتارهای آدمی که تنها عواطف و احساسات موجد آن است.

انسان به‌طور ناگهانی میان واقعیت و بین آنچه اتفاق می‌افتد و آنچه انتظار دارد، تناقض می‌بیند و این تناقض او را می‌خنداند. از مشاهده ناسازگاری و عدم تجانس، متعجب می‌شود و می‌خندد. به‌طور معمول این خنده با احساس تقوّ و برتری - در رفتار، گفتار و اندیشه - نسبت به فرد یا رویدادی همراه است. انسان خود را در مرتبه‌ای بالاتر از موضوع خنده می‌بیند و این تحقیر یا استهزاء را با خنده بیان می‌کند. «این خنده تحقیرآمیز می‌تواند اصلاح را به دنبال داشته باشد و به تعبیر برگسون وسیله‌ای شود تا شاعر از جامعه به‌وسیله آن در برابر سوءاستفاده‌های صورت گرفته انتقام گیرد. چراکه زبان در این تحقیر، توهینی است حساب‌شده که هدف آن، نمایاندن راستی‌ها و عیوب از طریق نهیب زدن بر دریافت‌کننده توهین است، یا خنده و اهانت بر کسانی است که وجودشان اهانت به انسانیت است، خنده‌ای که بی‌شک لذت‌بخش است» (فرشوخ، ۱۹۸۹: ۱۳).

شاعران امروز که خود را در برابر انبوهی از دشواری‌ها و

پیچیدگی‌های انسانی در مصاف می‌بینند برآن‌اند تا از تمام ظرفیت‌های موجود برای حل این نابسامانی‌ها سود برند و طنز یکی از این ظرفیت‌هاست؛ احمد مطر و سیدحسن حسینی دو شاعر معاصرند که به‌خوبی توانسته‌اند برای مقابله با زشتی‌ها و پلشتی‌های سیاسی و اجتماعی روزگار خود از این ظرفیت بهره ببرند. در این پژوهش برآن‌ایم تا با شرحی مختصر درباره ادبیات تطبیقی به ترسیم بستر تحقیق بپردازیم و سپس با شرح طنز و بیان تعاریف مختلف آن، به عرصه زندگی شخصی و ادبی دو شاعر می‌پردازیم. همچنین در این پژوهش به تحلیل و بررسی اشتراکات و افتراقات مضمون طنز در شعر سیدحسن حسینی و احمد مطر خواهیم پرداخت.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان خواهد داد، که شعر طنز احمد مطر و سیدحسن حسینی چه شباهت‌ها و افتراقاتی باهم دارد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در این زمینه مطالب پراکنده‌ای به‌صورت مقالات و کتب، وجود دارد، اما به‌طور مفصل، در موضوع تطبیق طنز سید حسن حسینی و احمد مطر هیچ نگارشی انجام نگرفته است، بنابراین، در این مقاله سعی شده است تا شعر طنز دو شاعر هم‌عصر و هم‌نسل مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. در خصوص احمد مطر پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

بتول موسوی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌اش تأثیرگذاری اشعار اجتماعی احمد مطر بر شاعران انقلاب اسلامی را بررسی کرده و نتیجه گرفته که حسینی، امین‌پور و قزوه از شماری از مفاهیم شعری احمد مطر که مطابق با نظریات و تفکرات آنها بوده، تأثیر پذیرفته‌اند.

ناصر محسنی‌نیا (۱۳۹۲) به «بررسی تطبیقی طنز اجتماعی در اشعار احمد مطر و اکبر اکسیر» پرداخته و تأکید بر آن داشته که دو کشور ایران و عراق، با تاریخی درخشان و تحت لوای مذهبی واحد تشیع در زمینه تاریخی و فرهنگی، ادبی و اجتماعی، همواره از طریق تبادل فرهنگ نقش مستقیمی در بلوغ یکدیگر ایفا کرده‌اند.

قاسم مختاری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با

دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مورد اقبال است. «ادبیات تطبیقی از شاهکارهای نقد ادبی است که به سنجش آثار، عناصر، انواع، سبک‌ها، دوره‌ها، جنبش‌ها و چهره‌های ادبی و به‌طور کلی، مقایسه ادبیات در مفهوم کلی آن در دویا چند فرهنگ و زبان مختلف می‌پردازد» (قاسم‌نژاد، ۱۳۷۶: ۴۱).

ادبیات تطبیقی در همان آغاز با روبه‌ای نقدگونه همراه گردید و بعد از اندکی در سه مکتب برجسته فرانسه، آمریکا و اروپای شرقی رخ نمود. البته در سرزمین‌های غیر اروپایی در برخورد با آن، نگرانی نادیده انگاشتن ادبیات بومی وجود داشته است. اما حقیقت این است که «ادبیات تطبیقی برای نادیده انگاشتن ویژگی‌های اصالت در ادبیات بومی یا جایگزین ساختن ادبیات دیگر به‌جای آن نمی‌کوشد بلکه بر آن است تا با دعوت به پیوند با ادبیات‌های دیگر، ادبیات بومی را پشتیبانی کند.» (جمال‌الدین، ۱۳۸۹: ۵۹)

آنچه سبب مقایسه شباهت‌های فکری حسینی و مطر در آثارشان شده است، در حیطه مکتب ادبیات تطبیقی آمریکا قرار می‌گیرد؛ در این مکتب، حیطه ارتباطات و تأثیرات ادبی یکی از زمینه‌های عمده پژوهش در ادبیات تطبیقی به شمار می‌آید؛ اما از منظر گستردتر، «بدین‌سان که بر یافتن مدرک تاریخی و شواهد اثبات‌گرایانه اصرار نمی‌شود و قبول می‌شود که برخی شباهت‌ها بین آثار ادبی، ناشی از روح مشترک همه انسان‌ها است و بیشتر بر آن است که ادبیات به عنوان پدیده جهانی و در ارتباط با سایر شاخه‌های دانش بشری و هنرهای زیبا معرفی شود و همچنین در این مکتب، معیار انتخاب برای تطبیق، ملیت و فرهنگ است نه صرفاً زبان؛ برای مثال، از نظر پژوهشگران مکتب آمریکایی، بررسی تطبیقی دو اثر ادبی، یکی از انگلستان و دیگری از آمریکا امکان‌پذیر است، به شرط آن‌که آن اثر ادبی آمریکایی به بعد از استقلال ادبی آمریکا مربوط باشد» (شرکت مقدم، ۱۳۸۸: ۶۱)

#### ۵. طنز

در ادبیات، طنز به نوع خاصی از آثار منظوم یا منثور ادبی اطلاق می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد. در

عنوان «طنز سیاسی - اجتماعی در اندیشه‌های عبید زاکانی و احمد مطر» اشعار زاکانی و سروده‌های مطر را از جهت مفاهیم مختلف طنز انتقادی مانند: سرزنش و ملامت حاکم، قاضی، واعظ، نام بردن آشکار دشمنان، فساد گسترده، سرکوب اندیشمندان و فراگیر شدن فقر، بررسی کرده‌اند.

سیدحمید نجات (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی تطبیقی درون‌مایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه» جهت‌گیری شعری دو شاعر را سیاسی و اجتماعی دانسته است. هرچند اشعار اعتراضی قزوه بیشتر جنبه اجتماعی دارد اما اشعار مطر بیشتر سیاسی است سید علی فاضلی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود با «بررسی تطبیقی طنز در اشعار پایداری سیدحسن حسینی و احمد مطر» به این نتیجه رسیده است که دو شاعر از شیوه طنزپردازی، به کثرت بهره برده‌اند. هرچند طنز گزنده سیاسی در سروده‌های مطر نمود بیشتری دارد؛ ولی در مقابل، اشعار حسینی نشان از گرایش بسیار او به طنز اجتماعی است. باوجوداین تا به حال تحقیق و پژوهش مستقلی درباره مقایسه شعر طنز این دو شاعر باهم و تبیین شباهت‌ها و افتراقات آن، صورت نگرفته است.

#### ۳. روش تحقیق

نحوه گردآوری داده‌ها در این مقاله کتابخانه‌ای است و برای گردآوری داده‌ها از روش فیش‌برداری و ابزار فیش اطلاعاتی استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش توصیفی - تحلیلی و استدلال استفاده خواهد شد.

سؤال اساسی تحقیق این است که شباهت‌ها و تفاوت‌های شعر احمد مطر و سید حسن حسینی در زمینه موضوعات طنزی کدام است؟

#### ۴. ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی به‌ویژه در قرن بیستم خود را در اروپا از اصلی‌ترین پژوهش‌ها در حوزه ادبیات و نقد معرفی نمود. سپس جایگاه خود را در بررسی‌های ادبیات در ایران و سرزمین‌های عربی، تثبیت کرد و امروزه، در بیش‌تر

دارد. به گفته جوونال: «هر چیزی بالقوه سنگریزه آسیاب طنزپرداز است (پلارد، ۱۳۷۸: ۳۰) به طور کلی موضوع طنز شامل علل و مظاهر واپس ماندگی، معایب، مفاسد و ناروایی‌های دردناک جامعه است که طنزپرداز به قصد اصلاح با چاشنی خنده به صورت برجسته و اغراق آمیز و نیز توأم با اشاراتی به وضع مأمول زندگی بیان می‌کند (زارع، ۱۳۹۰: ۱۹).

### ۵. ۱. شیوه‌ها و شگردهای طنزپردازی

طنزپردازان از شیوه‌های مختلفی برای ابداع طنز استفاده کرده‌اند:

۱. کوچک کردن، ۲. بزرگ کردن، ۳. تقلید مضحک از یک اثر ادبی شناخته‌شده، ۴. ایجاد موقعیتی در داستان یا نمایش‌نامه که خودبه‌خود طنزآمیز است و یا به اصطلاح نقد ادبی غربی، «موقعیت کنایی» و استفاده از کنایه، گوشه و طعنه است، ۵. به کار بردن عین کلمات کسی که مورد طنز قرار می‌گیرد و ایجاد چهارچوبی مضحک برای آن از زمره این شگردها هستند (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۷).
- از منظری دیگر نیز این شگردها به گونه‌ای دیگر نیز تقسیم شده:

۱. تحقیر، ۲. تشبیه به حیوانات، ۳. قلب اشیاء و الفاظ، ۴. تحامق یا کودن‌نمایی، ۵. خراب کردن سمبل‌ها، ۶. ستایش اغراق آمیز و نامعقول، ۷. تهکم، نفرین و دشنام (حلبی، ۱۳۶۴: ۶۲)

### ۵. ۲. طنز در ادب فارسی

عمران صلاحی درباره سابقه «طنز» در ادبیات فارسی می‌نویسد: در ادبیات کهن ما چیزی به نام طنز به چشم نمی‌خورد. در ادب کهن ما، برای مضاحک در اصل دو اصطلاح بوده است: هجو و هزل. هجو، ضد مدح و هزل ضد جد. کلمه طنز در همین چهل - پنجاه سال اخیر در ادبیات ما متداول شد. شاید از زمان «دهخدا» و روزنامه «صوراسرافیل». معنی لغوی طنز گفتن، مسخره کردن و به طعنه چیزی را گفتن است؛ ولی در قدیم کلمه طنز معنا یا معانی دیگری غیر از آنچه ما از آن استنباط می‌کنیم، داشته است (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۵۲۴ - ۵۲۵).

تعریف طنز آمده است: «اثری ادبی که با استفاده از بذله، وارونه‌سازی، خشم و نقیضه، ضعف‌ها و تعلیمات اجتماعی جوامع بشری را به نقد می‌کشد.» دکتر جانسون طنز را این‌گونه معنی می‌کند: «شعری که در آن شرارت و حماقت سانسور شده باشد» (اصلاحی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

امروزه طنز «در عرف ادب به روش ویژه‌ای در نویسندگی (اعم از نظم و نثر) اطلاق می‌شود که در آن نویسنده با بزرگ‌نمایی و نمایان‌تر جلوه دادن جهات زشت و منفی و معایب و نواقص و روابط حاکم در حیات اجتماعی درصدد تذکر، اصلاح و رفع آنها برمی‌آید» (نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۸۹).

این شیوه ادبی «از دل‌نشین‌ترین شاخه‌های ادبیات غنایی است، چون با خنده‌ای تلخ و دردآور که از خیرخواهی آفریننده آن سرچشمه می‌گیرد، بیدارکننده و آگاهی‌بخش انسان‌هاست. طنز با شگردهای هنری خاص خود در خدمت انتقاد از ناروایی‌های اجتماع و اصلاح معایب و مفاسد جامعه قرار می‌گیرد و هنگامی می‌تواند به هدف خویش برسد که از روحی بلند و متعالی تراوش کند؛ روحی واقع‌بین و حساس که از مشاهده پستی‌ها و رذالت‌ها در رنج و عذاب است و برای رسیدن به یک زندگی متعالی و دوست‌داشتنی لحظه‌شماری می‌کند» (حسینی، ۱۳۹۳: ۱)

شاخص‌ترین ویژگی طنز، استفاده از سلاح خنده به منظور نشان دادن معایب انسان و جامعه است. طنزپرداز با کاربرد این حربه در یک حاشیه امن، از رفتارهای نامطلوب انسان‌ها انتقاد می‌کند و زشتی‌های جامعه را برجسته‌تر نشان می‌دهد (زارع، ۱۳۹۰: ۱۸)

او باید زیرکانه خواننده را با مهارت هنری خود به دنبال خویش بکشد. هدف وی آن است که خوانندگان را وادارد تا از چیزی انتقاد کنند و این کار را با ایجاد عواطف مختلف در آنها دنبال می‌کند؛ از خنده گرفته تا استهزا، اکراه، خشم و نفرت (پلارد، ۱۳۷۸: ۹۶-۹۷).

موضوعات طنز عموماً موضوعات اصلاح‌پذیر انسانی است، نه موضوعات مربوط به محدودیت‌های گریزناپذیر بشری. البته این بدان معنا نیست که طنزنویس این موضوعات را وارد طنز خود نمی‌کند، بلکه به ماهیت این موضوعات کار ندارد و تنها نگرش جامعه برای وی اهمیت

و با سلاح کاری و ویرانگر طنز، تلاش نمود عدول کنندگان از شیوه راستین از توده مردم تا طبقات حاکمه اجتماع و همه مظاهر پوچ را در معرض ریشخند گزنده قرار داده و از خواب غفلت به در آرد؛ از همین روی، مضمون‌های به‌کارگرفته‌شده در آثار مطر را می‌توان در زمره طنز سیاسی - اجتماعی قرار داد.

این شیوه از طنز، زاییده فشار غیرقابل تخلیه به زبان منطقی است و به زبانی دیگر یعنی بر بذله‌گویی و شوخی استوار است و متعالی‌ترین نوع و شیوه طنزپردازی به شمار می‌آید؛ یعنی مخاطب، جمع است و برای گوشزد اشتباهات و ارائه صحیح آن، مخاطب را به تفکر واداشته و به راه راست هدایت می‌کند. (ترکمن، ۱۳۷۷: ۴۲۴)

بنابراین می‌توان مطر را شاعر یک امت و یا به تعبیری ملموس‌تر شاعر تمامی امت‌های ستم‌دیده دانست و لازمه این ویژگی، وضوح، ساده‌گویی، بی‌پروایی و شجاعت است. سخنان طنزآمیز مطر، هزل و یاهو نیست و برای تفریح خاطر مردمان کوتاه‌نظر نوشته نشده است؛ بلکه هر سطر و هر بیت آن، کنایه‌ای تند و نیشی دردناک بر پیکر سیاست و اجتماع آن روزگار است، اما افسوس که تنها خردمندان، سنگینی ضربه‌ها را درک کردند و دیگران در منجلاب شرایط نامساعد جامعه غرق گشتند.

مطر شاعری نوپرداز است و شکل اشعار او برای خواننده ایرانی، شکل نیمایی است و از جوانب طنز، تناقض‌نمایی یا پارادوکس، بینامتنی و درهم‌ریختگی متن آیات قرآن، تلمیح به داستان‌های مذهبی و بومی، تلمیح به اشعار شاعران گذشته و به‌کاربردن نمادهای حیوانی در اشعار او متجلی است.

کارهای ناروایی که مطر از حاکم روزگار خویش دیده بود، او را بر آن داشت که در نقد خود، استدلالی متفاوت و منطقی غیرمعمول را با بر هم زدن مناسبات عادی در پیش گیرد تا با تحریف واقعیت، بلکه خود واقعیت را به تصویر کشد. این چنین می‌شود که او اعمال ابلیس را که در دیدگاه ما مسلمانان، مظهر تمامی پلیدی‌هاست در برابر پلیدی‌های حاکمان ناچیز می‌داند و از تصمیمی که شیطان برای ایجاد تحوّل در اعمال خویش، در پیش گرفته بود تا خون‌ریزتر و گناهکارتر شود، پرده برمی‌دارد و از برگزیدن عنوان حاکم

جدای از طنزپردازان برجسته‌ای چون عبید زاکانی که در گذشته ادبی ایران وجود داشته‌اند، اوج طنز فارسی را باید در دوران مشروطه جست‌وجو کرد. در این دوران، طنز از نظر ساختار و محتوا دگرگون شده، مخاطبان تازه‌ای یافته است. در این دوران، برای اولین بار در تاریخ ادبیات فارسی، مردم کوچه و بازار مورد توجه شاعران و نویسندگان قرار می‌گیرند. همچنین طنزنویسان چنین دوره‌ای، تلاش می‌کنند با طرح مسائل سیاسی و اجتماعی در قالب طنز، مردم را آگاه سازند. این روند تا پیروزی انقلاب اسلامی با فراز و نشیب‌هایی ادامه می‌یابد. پس از تثبیت انقلاب اسلامی، در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲، سمت‌وسوی طنزها به جانب فکاهیات و نیز هجو ضدانقلاب و دشمنان خارجی سوق یافت و روحیه تعهد و ایثار در میان طنزنویسان نشریات دولتی و غیردولتی رواج پذیرفت (زارع، ۱۳۹۰: ۶). با انتشار طنزهای کیومرث صابری فومنی در روزنامه اطلاعات سال ۱۳۶۳، دور جدیدی از طنزپردازی آغاز شد که با انتشار نشریه طنز گل آقا قوت گرفت. در این دوره، طنز در ادبیات فارسی، جریان اصلی خود را در این روزنامه و چند نشریه دیگر دنبال می‌کرد (شهسواری، ۱۳۸۹: ۴).

### ۵.۳. احمد مطر و شعرش

آثار شعری احمد مطر شامل هفت دیوان *لافتات* است که در سال‌های ۱۹۴۸ - ۱۹۹۹ م سروده شده است. *لافتات* زبان حال مردم عراق و سایر ملت‌های عربی است که در زیر سلطه استکبار و استعمار، هویت خود را از دست داده و سراسر تشویق و تحریک مردم در برخورداری از حقوق راستین یک انسان است؛ و نیز چهار مجموعه کوتاه با عنوان‌های *ایّتی المَشْهُوقُ أعلاه* (۱۹۸۹ م)، *دیوان الساعه* (۱۹۸۹ م)، *ما أصعبَ الكلام فی رثاء ناجی علی و العشایر الأخبیر لصاحب الجلاله ایلیس الأوّل* که در ساختار سنتی و کلاسیک به شعر درآمده‌اند، در زمره سروده‌های او قرار می‌گیرند (شهسواری، ۱۳۸۹: ۱۷۷). بیشتر سروده‌های او دارای مضامین طنزآمیز است.

مطر، دوره‌ای از زندگانی خود را در زمان حکومت دیکتاتوری «صدام» بر عراق و «حزب بعث» گذرانده است

توسط او برای عملی نمودن چنین تصمیمی خبر می‌دهد.

#### ۵.۴. سید حسن حسینی و شعرش

سید حسن حسینی در بیست‌وهشت‌سالگی خود یعنی سال ۱۳۶۳ اولین دفتر شعرش (همصد/ با حلق/ اسماعیل) را منتشر کرد. دغدغه دین‌داری و مقابله با جریان‌های روشنفکری ضد دینی از اول تا واپسین سروده‌های این کتاب دیده می‌شود و چنان‌که می‌دانیم این دغدغه‌های اصلی شاعران انقلابی آن نسل است. «شعرهای هم‌صد با حلق اسماعیل درست در همان جاهایی موفق‌تر از کار درآمده است که نشانی از موشکافی‌ها، رعایت تناسب‌ها و طنزآفرینی را در خود دارد. البته در خیلی مواقع دچار کلی‌گویی و شعارزدگی و اتکا به عناصر و کلیشه‌های رایج است.» (کاظمی، ۱۳۸۹: ۲۲۱)

اثر دیگر سید حسن حسینی «گنجشک و جبرئیل» است. این کتاب از معدود مجموعه شعرهایی است که به‌طور کامل به شعرهای آیینی و غالباً عاشورایی یک شاعر اختصاص دارد. آن هم با ظاهری واحد؛ یعنی قالب‌های نوین ... اما شاعر در کنار حفظ وحدت کلی شعرها، به خوبی توانسته است تنوع مضامین را نیز حفظ کند و کتاب را از یکنواختی به درآورد.» (کاظمی، ۱۳۸۹: ۲۳۰)

در «ملکوت سکوت» مجموعه‌ای از شعرهای آزاد، نیمایی و سپیدی است که توسط دکتر قیصر امین‌پور از میان شعرهای سید حسن حسینی انتخاب شده و به پیشنهاد خود شاعر «در ملکوت سکوت» نام‌گذاری شده است.

این مجموعه برخلاف آثار دیگر حسینی که قبل از این نام آنها ذکر شد، در یک موضوع واحد و کلی نیست و در آن از انواع موضوعات اجتماعی، تاریخی، عاشقانه، مذهبی و... پرداخته شده است.

حسینی، شاعری انقلابی بود و بیشتر مجموعه‌های شعری او متأثر از جنگ تحمیلی و فرهنگ عاشورایی است. او افزون بر آثار جدی، سه اثر با نام‌های *براده‌ها*، *نوشده‌اروی طرح ژنریک* و *فستیوال خنجر* با مایه‌های طنز فاخر دارد که در آنها از زبان طنز برای بیان ناروایی‌های جامعه بهره برده است. آنچه بیش از هر چیز وجود سید حسن حسینی را در میان طنزپردازان ایران ضروری می‌کند،

جهت‌داری طنزهای اوست. طنزهای براده‌ها و *نوشده‌اروی طرح ژنریک*، طنزهایی هستند مربوط به انقلاب، یعنی مهم‌ترین اتفاق زمانه ما (نبوی، ۱۳۷۹: ۱۲۸ و هنرجو، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹) و فستیوال خنجر هم همین نقش را در فضایی گسترده‌تر بر عهده دارد.

اثر دیگر حسینی که تقریباً می‌توان گفت تمام سروده‌های آن با زبان طنز بیان شده‌اند، *نوشده‌اروی طرح ژنریک* است. «اولین بخش *نوشده‌اروی طرح ژنریک*، اولین بار با همین نام در سال ۱۳۶۷ در مجله کیهان فرهنگی چاپ شد و توجه بسیاری را به خود جلب کرد؛ چنان‌که در جمع‌های دوستانه شاعران گاه آثاری به نقطن و به پیروی از این شعرها سروده می‌شد. بخش دیگری به نام «تجدید نسخه» چند سال پس از آن در فصلنامه *کتاب صبح* به چاپ رسید. سرانجام در سال ۱۳۸۲، یعنی پانزده سال پس از سرایش نخستین بخش، همه این قطعات کوتاه با چند شعر طنزآمیز دیگر در کتابی به نام *نوشده‌اروی طرح ژنریک* گرد آمده و از سوی سوره مهر انتشار یافت» (کاظمی، ۱۳۸۹: ۲۳۷).

قطعات بخش‌های سه‌گانه مجموعه *نوشده‌اروی طرح ژنریک* همه نیمایی است. ایهام، تناسب، تلمیح، تضمین و کنایه از هنرمندی‌های این شاعر در این کتاب است. «از لحاظ درون‌مایه یکی از نقاط قوت این منظومه این است که در آن به مسائل رایج و معمول جامعه شاعران و در مواردی کل جامعه اشاره شده است؛ یعنی به راحتی می‌توان برای مفاهیم مطرح‌شده در این شعر مصداق‌های عینی یافت. ... بیشتر قطعات این دفتر این جنبه کاربردی را دارند و به همین دلیل به حضور خویش در ذهن مخاطبان ادامه می‌دهند.» (کاظمی، ۱۳۸۹: ۲۴۲)

باوجود آنکه موضوع این مجموعه، بیشتر شعر و شاعری است اما شاعر به مانند دیگر آثارش پای را از موضوع کلی کتاب فراتر می‌نهد. از کاستی‌ها و انحرافات جامعه و اجتماع غافل نمی‌ماند و به بررسی تضادها و ناهنجاری‌های اجتماعی نیز می‌پردازد.

۲. موضوعات مشترک طنز در اشعار حسینی و مطر  
سیدحسن حسینی و احمد مطر هر دو شاعر طنزپردازند و در آفرینش طنز خود از تکنیک‌ها و روش‌های مشترک

مزدی که دریافت می‌کنند مسئلهٔ فساد و بی‌عدالتی را در جامعه عادی جلوه می‌دهند.

در ادامه مطر کفر خود را نسبت به زبان و فصاحت و سروده‌هایی که در خدمت بیان دردها و رنج‌های جامعه نیستند بروز می‌دارد و هم‌چنین علیه شعری که از پس آن انقلابی جاری نمی‌شود اعتراض می‌کند:

كفرتُ بالأقلام والدفاتر

كفرتُ بالفصحى التى / تحبل و هى عاقر / كفرتُ بالشعر الذى / لا يوقف الظلم و لا يحرك الضمائر / لعنتُ كلَّ كلمهٍ / لم تنطلق من بعدها مسيره / و لم يخط الشعب فى آثارها مصيره / لعنتُ كل شاعر / ينام فوق الجمل النديه الوثيره / و شعبه ينام فى المقابر / و العنت كلَّ شاعر / لا يري مشنقه / حين يري الضفيره (مطر، ۲۰۰۱: ۷۴).

ترجمه: نسبت به قلم و دفترها و به فصاحتی که آستن می‌شود درحالی که یائسه است کافر شدم و هم‌چنین به شعری کافر شدم که ظلم را متوقف نمی‌کند و وجدان‌ها را به حرکت در نمی‌آورد و به هر واژه‌ای که از پس آن موجی از راهپیمایی به حرکت در نمی‌آید و مردم در آن سرنوشت خود را نمی‌بایند لعنت می‌فرستیم. و لعنت کردم هر شاعری که بر جمله‌های نمناک و نرم می‌خواهد و مردم جامعه‌اش در گورستان‌ها شب را سحر می‌کنند. بازهم لعنت می‌کنم هر شاعری که گیسوی بافته‌شده را می‌بیند اما چوبهٔ دار را نمی‌بیند.

شاعر در پایان علیه شاعرانی که مردم را دعوت به قیام علیه ظلم و استبداد نمی‌کنند و دردهای جامعه را نمی‌بینند اعتراض می‌کند. هم‌چنین مطر از جناس لفظ بین دو واژه «مسیره» به معنای راهپیمایی و «مصیره» که به معنای سرنوشت است برای ادبیت شعر خود سود برده.

در ادامه حسینی نیز از شاعرانی که در انجام رسالت خود کوتاهی کرده‌اند؛ انتقاد کرده و آنها را به مقابله با ظلم و ستم و جلوگیری از انحرفات دعوت می‌کند. شاعر در این سروده با بهره‌گیری از کوچک‌سازی با روش تشبیه به حیوانات به تحقیر شاعران منحرف و دروغین پرداخته است:

گفتی: کلام تازه چه داری؟ / بشنو که دیشبم / شیطان

و بعضاً متفاوتی استفاده کرده‌اند. در اینجا به برخی از این اشتراکات و افتراقات پرداخته می‌شود.

## ۶. انتقاد از شاعران بی‌ذوق، منحرف و دروغین

احمد مطر علیه شاعران تعهدگریزی اعتراض می‌کند که سروده‌هایشان در خدمت حکام مستبد و برای دریافت صله است. او این گونه افراد را بیشتر تاجر می‌بیند تا این که شاعر باشند:

...بیبحث عن قریحه تبح بالایجار / فضحکت من غبايه / لکننى قبل اکتمال ضحکتى / رأیت حول قصره قوافل التجار / تنثر فوق نعله القصائد! (مطر، ۲۰۰۱: ۲۸ و ۲۹)

ترجمه: حاکم دنبال شاعری است که در مقابل پول، عوعو کند (مدح کردن). از حماقت او خندیدیم اما هنوز خنده‌ام تمام نشده بود که گروه‌گروه از این تاجران (شاعران درباری) را دیدم قصاید خود را زیر پای او می‌افشانند.

مطر آشکارا این شاعران را به سگانی مانند کرده است که در مقابل صله شروع به بانگ برآوردن می‌کنند و حاکم را ستایش می‌نمایند.

در شعر طنز حسینی نیز شاعران چاپلوس، متملق و درباری که به‌طور سفارشی شعر می‌گویند و گوش به فرمان حاکم (قبلهٔ عالم) و مقامات دولتی هستند، همیشه مورد انتقاد بوده‌اند:

شاعری خم می‌شد / منشی قبلهٔ عالم / می‌شد! (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۷)

حسینی معتقد است که این شاعران، شعر را در خدمت حاکم و دربار قرار داده و از این طریق به مال و مقامی می‌رسند. این موضوع نه‌تنها حسینی بلکه هر شاعر آزادهٔ دیگر را آزار می‌دهد.

و در جایی دیگر حسینی از شاعرانی که در برابر انحرفات و لغزش‌های اجتماعی و اخلاقی سکوت اختیار می‌کنند، انتقاد می‌کند. و علیه این تاجرصفتان چنین زبان به نقد می‌گشاید:

می‌توان فرض گرفت / شاعری ارز گرفت... / تاجری مسئله را درز گرفت! (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۳)

حسینی این شاعران را تاجرانی می‌نامد که در مقابل

شعرهای قدیمی - با لهجه‌ای نوین - / این نکته گفته است:  
/ با منکران بگو / ای کرم‌های قافیه‌پرداز بندبند / ای  
سوسک‌های حادثه در قصه‌های ظهر / تردید تا به چند؟ /  
باید شتاب کرد / زخمی شکفته است! (حسینی، ۱۳۸۵:  
۵۷)

و باز حسینی با بیان سروده‌ای کوتاه اما دارای مفهومی  
گسترده و تأمل‌برانگیز از شاعرانی که رسالت شاعری خود  
را رها کرده‌اند، انتقاد می‌کند:

شاعری روی دلش / مهر «باطل شد»، / زد! (حسینی،  
۱۳۸۵: ۳۶)

حسینی بر این عقیده است که شعر شاعر از روح و دل  
او تراوش می‌کند و اگر شاعر بر دل خود مهر بطالت بزند،  
کلام او دیگر ارزش شاعرانگی ندارد و قداست خود را از  
دست می‌دهد.

#### ۷. تحقیر حاکمان مستبد

باید گفت که «بذر اولیه ادب مقاومت را ظلم و ستم موجود  
در جامعه تشکیل می‌دهد» (مصطفوی‌نیا و دیگران،  
۱۳۹۰: ۵۶۹) این ظلم و ستم معمولاً از سوی طبقه حاکم  
بر عامه مردم اعمال می‌شود. از این رو مخالفت با ظلم و  
حاکمان ظالم از مضامین مشترک شاعران معاصر همچون  
مطر و حسینی است. حاکم، طبقه‌ای است که بیش از همه  
در رأس انتقادهای مطر قرار گرفته است:

إبلیس فکّر مَرْمَفي أن يَطوّر شُغله، / ليصيرَ أكثرَ مُجرماً  
و يصيرَ أكثرَ أثمّاً / ويصيرَ أكثرَ مُرهقاً و مُناقفاً و مُكذّباً  
و ... دَفَنَ إسمه في صدره / و غذا يُسمي حاكماً! (مطر،  
۲۰۰۱: ۴۲۱)

«یک‌بار ابلیس به این فکر افتاد که در شغلش تحوّل  
ایجاد کند تا جرم و جنایتش بیشتر و گناهکارتر، خون‌ریزتر،  
منافق‌تر و ... شود. پس او نامش را در سینه‌اش دفن نمود و  
پس از آن حاکم نامیده شد.»

کارهای ناروایی که مطر از حاکم روزگار خویش دیده  
بود، او را بر آن داشت که در نقد خود، استدلالی متفاوت و  
منطقی غیرمعمول را با برهم زدن مناسبات عادی در پیش  
گیرد تا با تحریف واقعیت، بلکه خود واقعیت را به تصویر  
کشد. این چنین می‌شود که او اعمال ابلیس را که در دیدگاه

ما مسلمانان، مظهر تمامی پلیدی‌هاست در برابر پلیدی‌های  
حاکمان ناچیز می‌داند و از تصمیمی که شیطان برای ایجاد  
تحوّل در اعمال خویش، در پیش گرفته بود تا خون‌ریزتر و  
گناهکارتر شود، پرده برمی‌دارد و از برگزیدن عنوان حاکم  
توسط او برای عملی نمودن چنین تصمیمی خبر می‌دهد.

و در جایی دیگر مطر حاکم را چون سگی می‌داند که  
لیاقت فرمان‌برداری و احترام را ندارد و این چنین او را تحقیر  
می‌کند:

«شئت أن أكتشف ما في خلدی / شئت أن أكتف  
أكثر... / لكن قطع الوالی یدی / وأنا أعرف ذنبي / أننی /  
حاجتی صارت لدی كلبٍ / وما قلتُ له: يا سيدي!» (مطر،  
۲۰۰۱: ۱۰۲)

ترجمه: خواستم آنچه را که در درونم هست آشکار کنم.  
خواستم بیشتر بنویسم... اما والی دستم را قطع کرد. گناهم  
را می‌دانم. خواسته‌ام را به سگی عرضه نمودند و به او  
نگفتم: سرورم!

حسینی در یکی از سروده‌های دفتر گنجشک و  
جبرئیل» با عنوان «دبیاج اصر» یک حادثه تاریخی را  
به تصویر می‌کشد و در آن منصور دوانیقی خلیفه عباسی را  
این چنین به سخره می‌گیرد:

پیشانی‌ات / از میان دیوار می‌درخشید / دبیاج! /  
منصور / از جنوب غربی تاریخ / با بولدوزر / به مصاف صدای  
صاف تو آمد / وقتی جوانان بنی‌هاشم / از شرق میهنم / در  
صورهای سپیده / سرخ دیدند ... (حسینی، ۱۳۷۱: ۴۰).  
حسینی با آوردن واژه «بولدوزر» که یک دستگاه  
راه‌سازی مربوط به عصر حاضر است در یک سروده‌ای  
که مربوط به عصر خلافت عباسیان و جرم و جنایت  
منصور دوانیقی است با شیوه «تداخل رخدادها» به نوعی  
طنزآفرینی دست زده است.

و در جایی دیگر حسینی در مقابله با سران کشورهای  
عربی مخصوصاً عربستان سعودی پرداخته است و از  
افعال شیطانی آنها پرده برمی‌دارد و از تعامل و سازش آنها  
با یهودیان صهیونیست در سرکوب مردم فلسطین انتقاد  
می‌کند تحقیر و به سخره گرفتن آنها، پیروزی این مردم  
بی‌گناه، مظلوم و ستم‌دیده را به این جنایتکاران گوشزد  
می‌کند.

## ۸. انتقاد از نفاق و دورویی در جامعه

مطر از عدم اتحاد و چنددستگی جوامع عربی انتقاد می‌کند. این جوامع با آن‌که از نظر زبان، نژاد و فرهنگ دارای وحدت هستند اما از هر نظر دچار تشتت و چنددستگی شده‌اند. او با تشبیه کشورهای عربی به یک خانواده بزرگ که در یک خانه زندگی می‌کنند و بر فراز هر اتاقی از این خانه، پرچم‌های تفرقه نصب شده‌اند؛ در اعتراض به این مسئله می‌گوید:

أسرتنا واحدة/ تجمعها أصالة و لهجه و دم / و بیتنا  
عشرون غرفة به / لكن كل غرفة من فوقها علم / أسرتنا  
کبیره

و لیس من عافیه / آن یکبر الورم! (مطر، ۲۰۰۸: ۴۷)  
ترجمه: خانواده ما متحد و این اصالت و لهجه و نژاد  
است که ما را گرد هم آورده. خانه‌مان بیست اتاق دارد اما  
هر اتاقی بر فراز آن پرچمی در حال اهتزاز است. خانواده ما  
بزرگ است اما این بزرگی نشانه خوبی نیست همان‌گونه که  
آماس دلیل بر تندرستی و عافیت جسم نمی‌باشد.

حسینی نیز نفاق و دورویی را برنمی‌تابد و این چنین از  
آن شکایت می‌کند:

نگرانم هم از نگاه شما هم ز دیدار گاه‌گاه شما  
چه کنم؟ بوی خار می‌شنوم از گل و سبزه و گیاه شما  
گوش یکرنگی‌ام نمی‌جوشد با هیاهوی راه‌راه شما  
هق‌هق تلخ من نمی‌خواند با شکرخند و قهقهه شما  
نغمه‌ای گوشه‌گیر و محزونم خارج از شور دستگاه شما  
دلو را پُر ز خونِ یوسف کرد لانه‌گرگ بود چاه شما  
(حسینی، ۱۳۸۸: ۲۸، ۲۹)

## ۹. انتقاد از کم‌رنگ شدن دین در جامعه و نقد واعظان و زاهدان ریاکار

تباهی دین و کم‌رنگی آن در جامعه و روی آوردن واعظان  
و زاهدان به مادیات و ترک معنویات همواره از سوی  
شاعران و نویسندگان آزاده و متعهد مورد نقد و سرزنش  
قرار گرفته است. در این میان مطر و حسینی نیز ساکت  
نشسته‌اند و با این واعظان و زاهدان ریاکار با شیوه طنز  
به مقابله پرداخته‌اند. مطر نه تنها از ظاهر و پوشش واعظ  
ایراد می‌گیرد؛ بلکه به خود اجازه می‌دهد وظیفه حقیقی

بوسه بر قبر پیمبر ممنوع! / بوسه بر پنجه شیطان  
مشروع! / چهره منحوسان آل سعود! / ننگ بر زشتی  
قاموس شما / دین‌فروشان هم‌آواز جهود / زود باشد که  
بگیرد ناگاه / شعله در خرمن سالوس شما / گوشتان هست  
اگر گوش کنید: / بغض شب می‌ترکد / در سحرگاه قیام /  
آل اسلام به پا می‌خیزد / و فرو می‌میرد / آخرین پت‌پت  
فانوس شما! (حسینی، ۱۳۸۵: ۵۵)

مطر دزدان و زمامداران سرزمین‌های عربی را یکسان  
معرفی می‌کند و آنها را در این ویژگی که از بیداری در  
هراسند، با خصایصی مشترک به تصویر می‌کشد:

إثنان فی اوطاننا / یرتعدان خیفه / من یقظه النائم /  
اللص... و الحاکم (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

ترجمه: در کشورهای ما دو نفر از بیداری شخص  
خوابیده می‌ترسند: دزد و حاکم.

«تَرَكَ اللَّصُّ لَنَا مَلْحُوظَةً / فَوْقَ الْحَصِيرِ / جَاءَ فِيهَا:  
/ لَعْنُ اللَّهِ الْأَمِيرِ / لَمْ يَدْعُ شَيْئًا لَنَا نَسْرُقُهُ... / إِلَّا الشَّخِيرَ!»  
(حسینی، ۱۳۸۵: ۴۷۷)

ترجمه: دزد برای ما یادداشتی روی حصیر گذاشت که  
در آن آمده بود: خداوند امیر را لعنت کند که چیزی جز  
خرناس برای دزدیدن ما باقی نگذاشت.

یکی از وجوه افتراق حسینی با احمد مطر در این است  
که طنز او بیشتر متوجه حاکمان دیگر زمان‌ها و مکان‌ها  
است تا حاکمان سرزمین خود. او برخلاف مطر حاکم آرمانی  
سرزمینش را می‌ستاید و مخالفانش را به سخره می‌گیرد.

حسینی در دفتر هم‌صدا با حلق اسماعیل از برخی  
افراد انتقاد دارد که امام و ارزش‌های انقلابی را رها کرده  
و به چیزهای بی‌ارزش و فانی روی آورده‌اند. شاعر در این  
سروده با تشبیه آنها به حیواناتی چون بوزینه که اختیاری از  
خود ندارد و تنها کارهای دیگران را تقلید می‌کند در صدد  
تحقیر و تمسخر آنها برمی‌آید.

این گریه آور است: / در فصل جوشش صد چشمه  
زلال / جمعی ز تشنگان / به خاطره آب / دل خوش‌اند / این  
خنده‌دار نیست؟ / هنگام فجر و رویش خورشید بی‌زوال /  
بوزینگان / به کرمک شب‌تاب / دل خوش‌اند (حسینی،  
۱۳۸۵: ۴۴).

مطر و حسینی نیز هر یک به نوعی اعتراضشان را به وضع موجود بیان کرده‌اند هرچند اعتراض مطر بسیار شدیدتر است. او با تصویرهای ساده، روشن و تمثیلی آشکار تلاش کرده است با به تصویر کشیدن کارهای رژیم دیکتاتوری بعثی حاکم بر عراق که افراد برجسته و نخبه را به نابودی می‌کشاند، مبارزه کند و با استفاده از عبارتهای متناقض، نقض چنین وضعیتی را طلب کند:

سَأَلْتُ أَسْتَاذَ أُخَى / عَنْ وَضْعِهِ الْمُفْضَلِ / فَقَالَ لِي:  
لَا تَسْأَلُ. / حُضُورُهُ مُنْتَزِمٌ / سُلُوكُهُ مُحْتَرَمٌ / لَوْ شِئْتَهَا  
بِالْمَجْمَلِ / أَخُوكَ هَذَا يَا أُخَى / لَيْسَ لَهُ مُسْتَقْبَلٌ! (مطر،  
۲۰۰۱: ۳۱۵)

ترجمه: از استاد در مورد وضعیت کلی برادرم پرسیدم. به من گفت: نپرس. حضور او در کلاس سر وقت و رفتارش قابل احترام است؛ به‌طور خلاصه اگر می‌خواهی بدانی این برادرت، ای برادر، آینده‌ای ندارد.

مطر در این راستا در یک تصویر متناقض دیگر، نبود آزادی در جامعه را این چنین به طنز می‌کشد:

«قال لزوجته: اسكتي. / و قال لابنه: إنكتم / صوتكما  
يجعلني مشوش التفكير / لا تنبسا بكلمه / أريد ان اكتب  
عن حرية التعبير.» (مطر، ۲۰۰۱: ۲۸۴)

ترجمه: به همسرش گفت: ساکت شو و به پسرش گفت: از جلوی چشمانم دور شو. صدای شما فکرم را آشفته می‌کند کلمه‌ای بر زبان نیاورید؛ می‌خواهم در مورد آزادی بیان بنویسم.

حسینی نیز در سروده‌ای، غم و اندوه شاعران واقعی و نارضایتی آنها از وضع موجود بیان کرده، شاعری را به تصویر می‌کشد که از آتش درون خویش می‌سراید. او با بیانی اغراق‌آمیز، آتش درون شاعر را به حدی می‌داند که هنگام نوشتن شعر، باعث می‌شود دود از صفحه کاغذ برخیزد.

از غمش بی‌کم و کاست / شاعری شعر نوشت / دود از  
صفحه کاغذ برخاست! (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۴)

همو شاعر تشنه آزادی و عدالت را به تصویر می‌کشد که توان بیان حقایق را نداشته کلامش گرفتار سانسور می‌شود:

شاعر تشنه / ز دریا می‌گفت / اهل بیت سخنش را /  
به اسارت بردند! (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۱)

واعظ را تعیین کند. اما با توجه به شرایط عصر مطر که لازمه دستیابی به هر سعادت مرهون کذب و باطل بود، او با استفاده از تناقض‌گویی، سخنان خود را نادیده می‌گیرد و بهترین توشه یک واعظ ریاکار را افزودن بر دروغ و باطل می‌داند که مخالف با قوانین اسلامی است.

مطر در باب سرزنش خطیب می‌گوید:

«وواجبُ الواعظ قولُ الواجب...»

قُلْ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ / قُصُوا مِنَ الْجِلَابِ / وَ أَغْفُوا  
اللَّحَى... / وَ قَصِّرُوا الشَّوَارِبَ / وَ وَاعِظُ الْمَزَادِ / يَغْلِبُ شَهْرَزَادِ /  
فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ / بِالْكَذِبِ يُسْتَزَادُ.» (مطر، ۲۰۰۱: ۳۵۶)

ترجمه: وظیفه واعظ سخن گفتن از واجبات است... بگو: ای خردمندان! عباها را کوتاه و ریش‌ها را بلند... و سیبل‌ها را کوتاه نمایید. واعظ ریاکار بر «شهرزاد» هم غلبه می‌کند؛ چراکه بهترین توشه، با دروغ، فزونی می‌یابد.

حسینی نیز در شعر طنز خود علاوه بر شاعران و عارفان جامعه خود از زاهدان و واعظان جامعه نیز انتقاد می‌کند و آنها را به سخره می‌گیرد:

شاعری نی می‌زد / عارفی می‌نالید / زاهدی بست پیای  
می‌زد! (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۷)

در این سروده طنز اجتماعی دیده می‌شود زیرا هیچ‌کس مشغول انجام دادن کار اصلی خود نیست و به عبارتی نوعی بی‌نظمی و هرج‌ومرج بر جامعه حاکم است. او در سروده‌ای دیگر حسینی تباهی و کم‌رنگ شدن دین در جامعه را این‌گونه بیان می‌کند:

درد دینداری دکانی بیش نیست / در تن حق نیمه‌جانی بیش نیست  
بحث آزادی در این شرب الیهود / در دل زخم استخوانی بیش نیست  
تا بخوابد کودک آزادگی / این کشاکش‌ها تکانی بیش نیست  
در مصاف عشق، عقل عاریت / پهلووان ناتوانی بیش نیست  
پیش دنیا پشت دین شد منحنی / رستم ما را کمانی بیش نیست  
جوهر قلبایی قطع و یقین / سرمه چشم گمانی بیش نیست  
(حسینی، ۱۳۸۸: ۴۸، ۴۹)

## ۱۰. رنج و اندوه شاعر از وضع موجود

برای شاعرانی که در موضوعات سیاسی و اجتماعی شعر می‌سرایند وضع موجود جامعه معمولاً پذیرفتنی و مطلوب نیست. یکی از آرمان‌های آنها تغییر وضع موجود است.

## ۱۱. انتقاد از جامعه غافل و خوابزده

حسینی از جامعه غافل و خوابزده و نبودن گوش شنوا برای شعر شاعران که به حرف دل آنها گوش فرا دهد، انتقاد می‌کند. او در سروده زیر بر این عقیده است که به‌غیر از خود شاعر کسی نیست که به شعرش توجه کند. و این برای یک شاعر زجرآور است.

شاعری شعری گفت / (بینوایی) به خودش / نامه نوشت (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۹)

احمد مطر نیز مردمی که در خواب غفلت به سر می‌برند و هیچ‌گونه تلاشی را برای رهایی خود از ظلم و ستم حاکم نمی‌کنند را گناهکار، نه بلکه خود گناه می‌داند. و چنین می‌سراید:

«يَعْوَى الْكَلْبُ / إِنَّ أَوْجَعَهُ الضَّرْبُ / فلماذا لا يصحو الشعب... / الذل بساحتنا يسعي / فلماذا نرفض أن نحبو؟... / نحن نفوس / يأنف منها العاؤ / و يخجل منها العيب... / لا ذنب لنا... لا ذنب لنا / نحن الذنب!» (مطر، ۲۰۰۱: ۴۳).

ترجمه: سگ پارس می‌کند، اگر ضربه‌ای او را به درد آورد؛ پس چرا مردم بیدار نمی‌شوند... خواری و ذلت در اطراف ما جولان می‌دهد؛ پس چرا بر نمی‌خیزیم؟ ما افرادی هستیم که ننگ و عار از ما دوری می‌جوید و عیب از ما خجالت می‌کشد... ما گناهی نداریم... گناهی نداریم، ما خود گناه هستیم!

احمد مطر در جای دیگر در انتقاد از خواب غفلت جامعه از خود می‌پرسد که شعر را برای چه کسی می‌سراید وقتی که همه مردم جامعه کور و کر هستند و در خواب بی‌خبری فرورفته‌اند و اعتنایی به سخنان ارزشمند تو نمی‌نمایند:

... تكتب الشعر لمن / و الناس ما بين أصم و ضير / تكتب الشعر لمن / و الناس ما زالوا مطايا للحمير...؟

مطر در جای دیگر با طنزی تلخ از این خواب غفلت ملت‌های عرب انتقاد می‌کند. تلخی طنز آن جاست که می‌گوید:

صباح هذا اليوم / ايقظني منبئه الساعة / و قال لي: يا ابن العرب / قدحان وقت النوم! (مطر، ۲۰۰۱: ۹۰)

ترجمه: بامداد امروز زنگ ساعت مرا از خواب بیدار کرد و به من گفت: ای فرزند عرب وقت خواب تو فرا رسید.

## ۱۲. اعتراض علیه دوستی و سازش حاکمان عرب با دشمنان

مطر با طرح سؤالی فراموش شدن مسئله فلسطین را متذکر می‌شود و علیه دوستی و سازش با اسرائیل اعتراض می‌کند:

اجب عن اربعة اسئلة فقط / ما هورأيك في الماشين / من خلف جنازه راين... / ها هم بيكون لراين / ليم لم بيكوا لفلسطين / لفلسطين؟ / ماذا تعني بفلسطين؟! (مطر، ۲۰۰۱: ۳۴۶)

ترجمه: فقط به چهار سؤال پاسخ بده. نظرت درباره کسانی که در پس جنازه اسحاق راين حرکت می‌کنند چیست؟ می‌گوید: آنها برای مصیبت از دست دادن راين گریه می‌کنند. پرسیدم: پس چرا برای فلسطین گریه نمی‌کنند، پاسخ داد: برای فلسطین؟! منظور از کلمه فلسطین چه چیزی (فلسطین دیگر چه صیغه‌ای است) است.

شاعر از طریق این مناظره می‌خواهد خواننده اشعار خود را با واقعیت تلخ فراموش شدن مسئله فلسطین روبه‌رو سازد و هم‌چنین از دوستی سران فلسطینی با بزرگان اسرائیل انتقاد کند. هم‌چنین به نظر می‌رسد مطر می‌خواهد نارضایتی خود را نسبت به صلح پیمان «اسلو» که میان «شیمون پرز» و «یاسر عرفات» منعقد شد نشان دهد. مطر در جای دیگر از بی‌نتیجه بودن اجلاس‌ها برای حل مسئله فلسطین انتقاد می‌کند و می‌گوید:

يا قدس معذرة و متلى ليس يعتذر / مالي يد في ما جرى فالأمر ما أمروا / و انا ضعيف ليس لي أثر / و انا بسيف الحرف انتحر / و أنا اللهب و قادتى المطر... / هزى إليك بجذع مؤتمر / يسقط حولك الهذر: / عاش اللهب / و يسقط المطر! (مطر، ۲۰۰۱: ۳۱)

ترجمه: ای قدس عذر من را بپذیرا باش. هرچند چون منی را، عذر نمی‌پذیرند. در آنچه اتفاق افتاد بی‌تقصیرم. زیرا هرچه بود آنها دستور انجامش را داده‌اند. و در هر آنچه اتفاق می‌افتد دخالتی ندارم و اثرگذار نیستم. همانا با شمشیر حروف جان را از بدن تهی می‌کنم. من همان شعله آتش و حکام همچون آب بارانند؛ پس کی می‌توانم شعله‌ور شوم. تنه اجلاس را بتکان تا ببینی چگونه سخنان بیهوده

پیرامونت فرومی ریزد. زنده باد شعله‌های آتش درحالی که باران فرومی ریزد.

شاعر خود را به زبانه آتش مانند می‌کند که می‌خواهد به کمک قدس برود اما این حکام همچون باران در مسیر شاعر سنگ‌اندازی می‌کنند تا شعله‌های آتش اعتراض را خاموش نمایند. او نشست‌هایی را که برای حل و فصل مسئله فلسطین برپا می‌شوند و نتیجه‌ای جز سخنان بیهوده ندارند به باد استهزا می‌گیرد. او در این مورد از بیان قرآن کریم تضمین می‌کند آنجا که به حضرت مریم<sup>(ع)</sup> وحی می‌شود که تنه درخت خرما را تکان بدهد «هَٰزِي إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا» (قرآن کریم، ۱۹: ۳۰۶) مطر با بهره‌گیری از شیوه بیان این آیه، معنایی متناقض را مدنظر قرار می‌دهد و با چاشنی طنز، بی‌نتیجه بودن این‌گونه نشست‌ها را برای خواننده آشکار می‌کند.

در پایان، شاعر از عبارت «يسقط المطر!» معنایی دیگر اراده کرده، لفظ «مطر» را که نمادی از حاکم بوده و مانع از شعله‌ور شدن آتش اعتراض شده است با خوانشی دیگر به گونه فعل دعایی معنا می‌کند و به مخاطب می‌فهماند: باران (حاکم) سقوط خواهد کرد.

مطر در شعری دیگر، قداست سنگی را که در کف دستان کودکان مبارزان فلسطینی است این‌گونه توصیف می‌کند:

حجرٌ فی کف طفلِ فلسطینِ / عبادهِ و / صلاه بفهم  
القاده / فی ظل السلاطین: قواده (مطر، ۲۰۰۱: ۲۰۶)  
ترجمه: پاره‌سنگی در دست کودکی فلسطینی همانا عبادت است اما آن نمازی که در سایه حمایت حکام بر زبان مسئولان و سران خوانده می‌شود، همچون قلتبانی‌ست.

مسئله فلسطین برای حسینی نیز حائز اهمیت بوده است. او علیه سازش سران کشورهای عربی با اسرائیل، سخن گفته و از تعامل و سازش آنها با یهودیان صهیونیست در سرکوب مردم فلسطین انتقاد و پیروزی مردم ستمدیده فلسطین را در آینده‌ای نه‌چندان دور پیش‌بینی کرده است: بوسه بر قبر پیمبر ممنوع! / بوسه بر پنجه شیطان مشروع! / چهره منحوسان آل سعود! / ننگ بر زشتی قاموس شما / دین‌فروشان هم‌آواز جهود / زود باشد که بگیرد ناگاه / شعله در خرمن سالوس شما / گوشتان هست

اگر گوش کنید: / بغض شب می‌ترکد / در سحرگاه قیام / آل اسلام به پا می‌خیزد / و فرو می‌میرد / آخرین پت پت فانوس شما! (حسینی، ۱۳۸۵: ۵۵)

### ۱۳. نتیجه‌گیری

۱. احمد مطر و سید حسن حسینی هر دو از شاعران پایداری هستند که بخشی از اشعارشان را به شیوه بیانی طنز بیان کرده‌اند.

۲. طنز به کاررفته در آثار احمد مطر و سید حسن حسینی از نظر مضمون و محتوا در زمره طنز سیاسی - اجتماعی قرار می‌گیرد و برای بیدار ساختن و گوشزد اشتباهات عامه مردم تا طبقات حاکمه به کار گرفته می‌شود. اعتراض علیه فساد و بی‌عدالتی: هر دو شاعر از این معضل انتقاد می‌کنند و مطر این مسئله را فقط بین حکام و مزدوران آنان رایج می‌داند و هدف او دقیقاً آگاه نمودن مردم جامعه علیه افزون‌خواهی و اختلاس‌هایی است که این حکام و زبردستانشان انجام می‌دهد، اما حسینی شاعری متعهد به انقلاب و کلیت نظام است و انتقادهایش در راستای اصلاح این معضلات در درون جامعه است

۳. مطر در سخن از آینده، به فردایی روشن چشم نمی‌دوزد؛ هرچند که اشعار مطر از روح خاصی برخوردار بوده و حس مخالفت مردم بر نابهنجاری‌های جامعه را بیشتر برمی‌انگیزاند. اشعار سیاسی - اجتماعی احمد مطر بسیار متنوع بوده و موضوعات فراوانی را در برمی‌گیرد؛ مانند سلب آزادی، ظلم و ستم حاکمان، مسئله فلسطین و غیره. شعرهای طنز احمد مطر بیشتر جنبه سیاسی دارند، درحالی که شعر طنز سیدحسن حسینی بیشتر جنبه اجتماعی دارد.

۴. شعر سیاسی احمد مطر همان‌طور که از نام مجموعه شعرهای او، *لافتات* یا *یلاکاردها*، پیداست بیشتر شعارگونه و زودفهم است درصورتی که شعر طنز سیدحسن حسینی شاعرانه‌تر و قابل تأمل‌تر است.

۵. احمد مطر تیغ طنز خود را متوجه حکومت و حکام سیاسی عرب کرده است درحالی که موضوع شعر طنز سید حسن حسینی جامعه و انحرافات اجتماعی است.

۶. طنز احمد مطر صریح و بی‌پروا است درصورتی که طنز سیدحسن حسینی محتاطانه‌تر است و شاید این به خاطر

آن است که احمد مطر در خارج از وطن و به‌دوراز دست  
حاکمان شعر طنز خود را سروده ولی سیدحسین حسینی  
در درون همان جامعه‌ای که نقد کرده است زندگی می‌کند.  
۷. به نظر می‌رسد حسینی در موارد مختلفی از احمد  
مطر تأثیر پذیرفته هرچند بررسی این موضوع خود نیازمند  
پژوهش مستقل دیگری است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. احمد مطر در سال ۱۹۵۶ م در حومه «بصره و در روستای «تتومه»، در کناره‌های «اروندرو» متولد شد و اکثر عمرش را در آن روستا سپری کرد. (غنییم، ۱۹۹۸: ۱۹) سرودن شعر را در ۱۴ سالگی آغاز کرد (غنییم، ۱۹۹۸: ۵۵) و گاهی در اشعارش انتقاد از حاکمیت و ضدیت با آن دیده می‌شود و به خاطر ترس از عواقب چنین موضع‌گیری به کویت گریخت (حسینی و بیدج، ۱۳۸۱: ۱۵۸).  
پس از مدتی به دلیل انتقاد صریح و بی‌پروای مطر از حکومت صدام و سایر حکومت‌های عربی در روزنامه القیس و لافتات، دولت کویت تصمیم بر تبعید او گرفت (سعدون‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۶)؛ پس‌ازاین تبعید در سال ۱۹۸۶ م، احمد مطر بار دیگر فعالیتش را در دفاتر روزنامه القیس در لندن ادامه داد و نیز تا الآن در این شهر ساکن است (غنییم، ۱۹۹۸: ۵۸).

مطر هفت دیوان شعری به نام لافتات دارد. این مجموعه‌های شعری از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۹ سروده شده‌اند که هویت مردم عراق و سایر ملت‌های عربی را که به وسیله استعمار و استبداد داخلی از بین رفته، بیان می‌کند و مملو از ترغیب و برانگیختگی ملت‌ها برای کسب حق اولیه آنهاست؛ و دفترهای شعری ائی المنشوق أعلاه (۱۹۸۹ م)، دیوان الساعه (۱۹۸۹ م)، ما أضعب الكلام فی رثاء ناجی علی (۱۹۸۷ م) و العشاء الأخير لصاحب الجلالة ایلیمس الأول (۱۹۹۰ م) از دیگر سروده‌های کوتاه او در قالب کلاسیک است (غنییم، ۱۹۹۸: ۱۷۷). معمولاً اشعارش طنز انتقادی گزنده و تند است که همین ویژگی باعث می‌شود که مطر به سروده‌های جدی به ندرت بپردازد.

۲. سید حسن حسینی، در سال ۱۳۳۵ و در تهران چشم به جهان گشود. او در تهران دیپلم طبیعی، و از دانشگاه مشهد، لیسانس رشته تغذیه را دریافت کرد و اما درجه کارشناسی ارشد و دکتری خود را در رشته ادبیات فارسی اخذ کرد. حسینی شاعری و نویسندگی‌اش را در مجله فردوسی و به سال ۱۳۵۲ شروع و با همراهی استاد محمدرضا حکیمی، آیت‌الله امامی کاشانی و آقایان تهرانی و رخ صفت، حوزه اندیشه و هنر اسلامی را در سال ۱۳۵۸ تأسیس کرد که بخش ادبیات و شعر آن را همراه با قیصر امین‌پور عهده‌دار شد. پس از آغاز جنگ، مسئول رادیوی ارتش شد که بعد از استمرار زیاد جنگ، به حوزه هنری بازگشت اما به علت اختلاف با مدیر حوزه هنری، از کار برکنار شد و فعالیت فرهنگی خود را با تدریس در دانشگاه الزهراء و دانشگاه آزاد، ادامه داد. از آثارش می‌توان به هم‌صدا با حلق اسماعیل، براده‌ها، بیدل، سپهری و سبک هندی، گنجشک و جبرئیل، مشت در نمای درشت، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، نوشداروی طرح ژنریک، طلسم سنگ، شقایق‌نامه، از شرابه‌های روسری مادرم، سفرنامه گردباد، تنها طرف آفتاب را گرفت، بال‌های بایگانی، سکانس کلمات، حمام روح و شعر و آیین اشاره کرد. وی در فروردین ۱۳۸۳ درگذشت.

## فهرست منابع

- ابراهیمی کاوری، صادق (۲۰۰۴)، *السخریه و الادب، دمشق: المعرفه*.  
اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۵) *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، تهران: نشر کارون*.  
بیگی حبیب‌آبادی، پرویز (۱۳۸۶)، *حماسه‌های همیشه، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر صریر*.  
ترکمن، محمد حسین (۱۳۷۷)، *طنز سیاسی و اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش)*، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.  
پلارد، آرتور (۱۳۷۸)، *طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران: مرکز*.  
جمال‌الدین، محمدسعید (۱۳۸۹)، *ادبیات تطبیقی، ترجمه سعید حسام پور و حسین کیانی، چ ۱، شیراز: دانشگاه شیراز*.  
جوادی، حسن (۱۳۸۴)، *تاریخ طنز در ادبیات فارسی، تهران: کاروان*.  
حسینی، حسن؛ بیدج، موسی (۱۳۸۰)، *نگاهی به خویش (گفتگو با شاعران و نویسندگان معاصر عرب)*، چ ۱، تهران: سروش.  
حسینی، سید حسن (۱۳۸۵)، *هم‌صدا با حلق اسماعیل، چاپ سوم، تهران: سوره مهر*.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، *گنجشک و جبرئیل، تهران: انتشارات افق*.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *نوش‌داری طرح ژنریک، تهران: انتشارات سوره مهر*.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ الف)، *از شرابه‌های روسری مادرم، چاپ دوم، تهران: انجمن شاعران ایران*.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ ب)، *سفرنامه گردباد، چاپ دوم، تهران: انجمن شاعران ایران*.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، *فستیوال خنجر (مجموعه اشعار طنز سید حسن حسینی)*، به کوشش اسماعیل امینی، چ ۱، تهران، سوره مهر.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، مجموعه کامل شعرهای سید حسن حسینی، چاپ اول، تهران: کتاب آبی.
- حلی، علی اصغر (۱۳۶۴)، مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، تهران: پیک.
- حیدری، محمود (۱۳۹۲)، افسانه تمثیلی و کارکرد آن در شعر احمد مطر، فصلنامه نقد ادب معاصر فارسی، سال سوم، (پیاپی ۶).
- زارع بنادکوکي، نجمه (۱۳۹۰)، بررسی طنزهای «دو کلمه حرف حساب» کیومرث صابری فومنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، تهران، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی.
- سعدون زاده، جواد (۱۳۸۸)، مظاهر ادب المقاومة فی شعر احمد مطر، مجله ادبیات پایداری، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- سلیمانی، محسن (۱۳۹۱)، اسرار و ابزار طنزنویسی، تهران: سوره مهر.
- شرکت مقدم، صدیقه (۱۳۸۸)، مکتب‌های ادبیات تطبیقی، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، کرمان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.
- شهسواری، عباس (۱۳۸۹)، بررسی موقعیت طنز در دهه نخست انقلاب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- عطیه الله، احمد (۱۹۶۴)، سیکولوجیه الضحک، چ ۲، قاهره: دار النهضة العربیه.
- غنی، کمال احمد (۱۹۹۸)، عناصر الابداع الفنیة فی شعر احمد مطر، الطبعة الاولى، القاهرة: مدبولی.
- رجیان، مرتضی؛ نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر (۱۳۷۰)، طنز سرایان ایران از مشروطه تا انقلاب، جلد ۳، چاپ اول، تهران: نشر بنیاد.
- فرشوخ، محمدامین (۱۹۸۹)، ادب الفكاهه فی لبنان، بیروت: دار الفکر.
- قاسم نژاد، علی (۱۳۷۶)، دانشنامه ادب فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاظمی، محمدکاظم (۱۳۸۹)، ده شاعر انقلاب، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
- مطر، احمد (۲۰۰۱)، الأعمال الشعرية الكاملة، الطبعة الثانية: لندن.
- مطر، احمد (۱۹۸۴)، لافتات ۱، الطبعة الاولى، لندن: منتدی سور الازبکیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۸۷)، لافتات ۲، الطبعة الاولى، لندن: منتدی سور الازبکیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۸۹)، لافتات ۳، الطبعة الاولى، لندن: منتدی سور الازبکیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۲)، لافتات ۴، الطبعة الاولى، لندن: منتدی سور الازبکیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۴)، لافتات ۵، الطبعة الاولى، لندن: منتدی سور الازبکیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۶)، لافتات ۶، الطبعة الاولى، لندن: منتدی سور الازبکیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۹)، لافتات ۷، الطبعة الاولى، لندن: منتدی سور الازبکیه.
- نیکوبخت، ناصر (۱۳۷۸)، هجو در شعر فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نبوی، سید ابراهیم (۱۳۷۸)، کاوشی در طنز ایران، تهران: جامعه ایرانیان.
- هنرجو، حمید (۱۳۹۲)، سید شاعران انقلاب اسلامی (نگاهی به اندیشه‌ها و آثار سید حسن حسینی)، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.